

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)  
دوره ۱۵، شماره ۵۸، زمستان ۱۴۰۲، صص ۵۶۶-۵۷۷  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲  
(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2021.1871575.1454](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1871575.1454)

## شرح حال سید بهاء‌الدین مستوفی گنجینه‌ای جای‌مانده در تاریخ ادبیات

شیوا ده‌بزرگی<sup>۱</sup>، دکتر علی محمد موذنی<sup>۲</sup>، دکتر ثورالله نوروزی داودخانی<sup>۳</sup>

### چکیده

سید بهاء‌الدین مستوفی شاعر جای مانده‌ای است که در کتاب‌های تاریخ ادبیات به وی اندک اشاره‌ای نشده است. تنها نام وی را در برخی از تذکره‌هایی که اینک چون گنج که در ویرانه‌ای پیدا شود می‌توان یافت. با آن که وی در علوم مختلف چون: ریاضیات، رمل و اعداد، فنون شاعری و در دانستن نوشته‌های یونانی، سریانی و عبری و از خطوط نستعلیق و شکسته و نسخ آگاه و در شناخت جواهر شعری «علم عروض» و در سرودن انواع قالب‌های ادبی اشراف داشته است، اما جای تأسف است که به وی اندک توجهی نگردیده است و تا کنون تحقیقاتی در زمینه این شاعر بزرگ انجام نگرفته است. از وی غزلیات، قصاید و قطعه‌های فراوان در دست می‌باشد که نشانه تفکر عارفانه و زاهدانه اوست. محتوای اشعار وی بیشتر در مدح و منقبت ائمه اطهار (ع) و مولای متقیان علی (ع) می‌باشد. در این مقاله، علاوه بر آنچه که برای بهاء‌الدین بسیار دارای اهمیت بوده است، به علمی که ایشان به آن آگاه، به خصوص صناعات ادبی همراه با اشعار مربوط که یکی از موضوعات بسیار مهم در علم زبان و ادبیات فارسی می‌باشد نیز اشاره شده است.

**واژه‌های کلیدی:** سید بهاء‌الدین، عارف، عشق، مدح و منقبت و حروف ابجد.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

Partovi.masoud@gmail.com

<sup>۲</sup> استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

moazzeni@ut.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Th\_norouzi@pnu.ac.ir

## مقدمه

میرزا سیدبهاء‌الدین مستوفی متخلص به بهائی فرزند میرزا سید رضی مستوفی الممالک شیرازی، از سادات حسینی است که در پایان قرن سیزدهم و نیمه قرن چهاردهم، در محله اعیان‌نشین سنگ‌سیاه شیراز دیده به جهان گشود. پدر و اجدادش به ترتیب سیدرضی مستوفی، محمدعلی مستوفی، سیدحسنعلی مستوفی، سید براهیم مستوفی، سید ابوالحسن مستوفی و سید محمدباقر مستوفی؛ همگی از جمله مستوفیان برجسته فارس بوده‌اند. پدرش سید رضی مدتی حکومت نیریز، لار، داراب و فسا را به عهده داشته و دارای املاک زراعی در مناطق رامجرد، مرودشت، خفر، شول، دوکوهک و گرم‌آباد بوده است. بهاء‌الدین دارای پنج فرزند پسر به نام‌های میرزا سید ضیاء‌الدین، سید محمد علی، سید حسن، سید علاء‌الدین، سید شجاع‌الدین و یک فرزند دختر به نام نصرت الزمان که همگی از علوم و خطوط زمانه بهره‌مند بودند، می‌باشد (ر، ک، فسایی، ۱۳۸۸: ۹۴). از وی دیوان شعری در دست می‌باشد که در برگزیده انواع قالب‌های شعری از جمله: ۱۶۰ غزل، ۵ قصیده طولانی، ترجیعات که شامل ۴۴۰ بیت، ترکیبات ۴۱۶ بیت، قطعات ۱۹۸ بیت، رباعیات در ۴۳۲ بیت و اشعار متفرقه می‌باشد. تفکر عارفانه در جوار حس عاشقانه و طنز و نقدی رندانه، به اشعار بهاء‌الدین تنوع و دلنشینی خاصی می‌بخشد و بسیاری از غزلیات او، در نعت رسول‌الله (ص) و منقبت خاندان نبوت سروده شده است. در قصائد او علاوه بر قدرت طبع و تسلط بر حوزه الفاظ و قوافی و استواری شعر، مضامین لطیف در مدح و منقبت وجود دارد. ترجیعات ایشان شامل ترجیع‌بندها و ترکیب‌بندهای بلند فراوان است که بیشتر در مدح معصومین (ع) سروده شده است. قطعات وی نیز کوتاه و معنی‌دار است و شاعر گاهی در آن‌ها به بی‌عدالتی در دیوان خانه اشاراتی دارد و به حاکمان آن دوره می‌تازد و از عملکرد کارگزاران حکومت انتقاد می‌کند و در یکی از قطعات خود شاه قاجار را به نکوهش می‌گیرد:

رود خون امسال شد جاری به فارس      الفت شه نیست پنداری به فارس  
(سید بهاء‌الدین، ۱۳۸۵: ۵۰)

## پیشینه تحقیق

با توجه به عدم معرفی جامع و کامل سید بهاء‌الدین مستوفی در کتب تاریخ ادبیات فارسی، تاکنون پژوهشی در باب مقاله، کنفرانس و کتاب (به غیر از چاپ دیوان آن) صورت نگرفته

است. از این رو برای معرفی و شناخت دیوان وی تصمیم به نگارش رساله و مقاله نموده ام تا ضمن پژوهشی نوین با موضوعیت بیان شده، پیشنهادی نیز برای دوستداران ادب فارسی داشته باشم تا با بررسی اشعار وی و نیز تطبیق با آثار شاعران دیگر اقدام به آثار پژوهشی نمایند.

### روش تحقیق

این رساله به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است و پس از مطالعه و بررسی از آثار و منابع و فرهنگ لغت‌های معتبر و قدیمی در کتابخانه به دست‌بندی و جمع‌آوری منابع پرداخته می‌شود و با رعایت قوانین و اصول مربوط، به نوشتن این پژوهش اقدام شده است.

### مبانی تحقیق

#### عارف

شخصیتی است که ذات خویش را با جمع و تمرکز و نیز با درک و معلومات حسی، عقلی و علمی در معرض تجلیات انوار الهی ذات جبروت قرار داده و از این سیر با حدوث حرکت و تغییر نوری در ذات مقهور خویش به سوی فنا و بقای ذاتی کمال می‌یابد.

#### عشق

عشق واژه بسیار عمیقی است که مفاهیم متفاوتی دارد و استنباط معنای آن بستگی به نوع نگاه و شخصیت دارد. به طوری که گروهی آن را زمینی و جسمانی تلقی کرده و گروهی نیز به عشق حقیقی یا باطنی، که به اعتقاد عارفان و اهل سلوک بالاترین عشق می‌باشد.

#### مدح و منقبت

از قدیمی ترین موضوعات شعر فارسی که مورد پسند شاعران می‌باشد، شعر مدحی به معنای ستایش و ستودن خصلت‌های نیک ممدوح است و در این حیث، منقبت که نشأت گرفته از مدح است اصولاً شعری درباره بزرگان دین بوده که نشان از ارادت شاعر به خاندان پیامبر(ص) می‌باشد.

#### حروف ابجد

روش و معیاری برای مرتب سازی حروف در زبان عربی، که بر پایه الفبای اولیه خط فیقی می‌باشد و در سه نوع ابجد کبیر، صغیر و وسیط است و در واقع اعداد از ۱ الی ۱۰۰۰ بین ۲۸ حرف عربی تقسیم شده است.

## بحث

سید بهاء‌الدین شاعری بزرگ و هنرمند است که به علوم و فنون شاعری آگاهی کامل و جامع داشته است، چنانکه رباعیات وی در زمینه‌های مختلف از قبیل منقبت و عاشقانه می‌باشد: گویند که دوزخ از برای تو بود حاشا که به غیر از آن برای تو بود سودا نکنم دوزخ خود را به بهشت ای پاک خدا، اگر رضای تو بود (همان: ۱۰۰)

به طور کلی دیوان او شامل ۵۰۳۴ بیت است و علاوه بر موضوعات ارزشمند، سرتاسر این کتاب بازگوکننده عشق شاعر به ائمه اطهار به خصوص پیامبر اکرم (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد و این نشان دهنده باز تاب فکری اوست که تا چه اندازه به عشق اهمیت داده و از آن سخن می‌گوید. «ریشه عشق را از (عشق) دانسته‌اند. عشقه نام گیاهی است که در زبان فارسی به آن پیچک می‌گویند. این گیاه به دور گیاهان دیگر می‌پیچد و آن‌ها را زرد و خشک می‌کند» (تدین، ۱۳۸۵: ۵۴).

بهاء‌الدین یکی از شاعران هنرمندی است که با آگاهی بر فنون علم ادب و شاعری آن چنان با این کلمه اشعار می‌سراید که گویی از بدو تولد با آن انس و همدلی داشته است و ایشان از جمله گروهی است که به معنای دوم عشق (باطنی - حقیقی) توجه داشته و حتی آن را با استفاده از به کاربردن حروف ابجد بیان می‌نماید و در بعضی از اشعار اشاره دارد به یازده مرحله عشق در عرفان که عبارتند از:

۱. «هوی: آرزومندی.
۲. علاقه: دلبستگی که از قلب مُنْفَك نشود.
۳. کلف: افزونی محبت و مقید و مکلف به حفظ و رعایت بودن.
۴. عشق: محبت بی اندازه که سبب کوری حواس محب نسبت به معایب محبوب است.
۵. شغف: محبت افزون و قلب سوز.
۶. شغف: حب فراوان که به غلاف قلب رسد.
۷. جوی: محبت باطنی.
۸. تیم: محبتی که سبب بی سرو سامانی محب شود.
۹. تبل: مرتبه‌ای که عاشق از فرط محبت بیمار گردد.

۱۰. تولیه: محبتی که سبب گریز عقل شود.

۱۱. هیام: محبتی که به دیوانگی کشد و محب را متحیر سازد و آن مرتبه نهایی حب است»  
(بزرگر، ۱۳۸۳: ۸۴)

اشعار زیر نمونه‌ای از مراحل عشق در دیوان سید بهاء‌الدین هستند که به ترتیب به مرحله هوی، تبل و تولیه اشاره دارد.

کسی که عشق ندارد چه در جهان دارد      تنی که یار ندارد مگو که جان دارد  
(همان: ۱۶)

نشان آن که گرفتار درد عشق بود      مگو که چهره به زردی چو زعفران دارد  
(همان: ۸)

یار باشد ما و ما او منعم از عشقش کند      زاهد بیچاره را بنگر که احول گشته است  
(همان: ۱۳)

به راستی اگر آتش عشق کسی را فرا گیرد لحظه‌ای آدمی را آسوده نمی‌گذارد و عقل را متعجب و حیران می‌سازد:

عقل حیران گشته اندر کار عشق      کس نگردد پید آگه از اسرار عشق  
(همان: ۱۰)

بهاء‌الدین عشق را در رابطه با دوست حقیقی، خداوند مهربان و فرستاده‌اش این‌گونه بیان می‌کند:

عشق عین دوست بود دوست عین عشق      دانی چه گویم آگهی ار حساب عشق  
(همان: ۲۱۳)

عشق حیران در جمال احمد است      عقل مجنون از جلال احمد است  
جنگ هفتاد و دو ملت سر به سر      بر سر میم کمال احمد است  
آن بهشتی را که وصفش می‌کنند      شرحی از بزم وصال احمد است  
(همان: ۱۱۱)

اگر کسی با قدمی استوار در راه حق با خلوص نیت و قلب پاک بردارد، آن گاه نه از فراز و نشیب روزگار و نیز از سختی‌ها و هرگونه ننگ و خواری نمی‌هراسد و چرا می‌گوییم این شاعر گرانقدر از خداوند و فرستادگان پاک او سخن می‌گوید؟ بدین دلیل که ایشان با استفاده از

حروف ابجد این عشق را تا حدی بیان می‌کند که آدمی از درک آن عاجز است. وی سرافرازی را در عشق به خدا می‌داند و به طور پنهان در اشعارش به این موضوع اشاره می‌کند:

شاید که همچو من شود اقبال او بلند هر کس که عشق افکندش در حرارتی

(همان: ۱۶)

به بیان دیگر، عشق هدیه‌ای الهی است که در وجود انسان نهاده شده و با ذات و فطرت وی عجین شده و انسان پیوسته به دنبال معشوق حقیقی بوده است. وجود ما به خاطر مهر و محبت خدا به انسان سرشته شد و از همان ابتدا عشق را در قلب ما آفریدند. از این رو ابن سینا در اشارات و تنبیهات می‌گوید: «عشق راه رسیدن انسان به سعادت و کمال میسر می‌سازد و اساساً خداوند آدمی را خلق کرده تا عاشق باشد و تفاوت انسان با فرشته در این است که فرشته از درک عشق عاجز است و عشق خاص انسان می‌باشد و از آغاز جهان در وجود او نهاده شده است» (ابن سینا، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

(حافظ، ۱۳۸۶: ۱۷)

تفکر عارفانه و زاهدانه در جوار حس عاشقانه و طنز و نقدی رندانه به اشعار بهاء‌الدین تنوع خاصی بخشیده است. غزلیات او بسیار ساده و پرشور و دل‌انگیز است و بسیاری از آن در منقبت رسول الله (ص) و خاندان نبوت سروده شده است.

نمی‌دانم چه شور است این ز عشق دوست در دل‌ها که شیرین کام از او هستند مجنون‌ها و عاقل‌ها

(سیدبهاء‌الدین: ۴۸)

سید بهاء‌الدین به شاعرانی چون، مولانا، حافظ و سعدی توجه ویژه‌ای داشته است و در اشعارش گاهی از آنان تضمینی می‌آورد. تضمین غزل شیخ سعدی علیه‌الرحمه:

رنج راحت دان مزن دم از جفا و جور یار همچو منصورت بیاویزند گر روزی به دار

کافری باشد بهائی شکوه از جور نگار نکته‌ای می‌گویم از سعدی چو در در گوش‌دار

سعدیا گر همتی داری منال از جور یار تا جهان بوده‌است جور یار بر یار آمده‌ست

(همان: ۱۳)

تضمین غزل از خواجه حافظ شیرازی:

آن کسانی که قدم در ره جانانه زدند پشت پائی به جهان یکسره مردانه زدند

خیمه از شهر بکنند و به ویرانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمانانه زدند

(همان: ۱۶۸)

### اندیشه‌های فکری بهاء‌الدین

با توجه به اشعار سید بهاء‌الدین می‌توان تا اندازه‌ای پی برد که او علاوه بر مسئله عشق به چه موضوعات دیگری می‌اندیشید و چه چیزهایی برای او اهمیت داشته است. وی به پیامبران الهی و فرستاده‌گان او احترام بسیاری می‌گذارد و از آنها به وفور نام می‌برد و این نشان‌دهنده اعتقادات دینی او به مسائل عرفانی و الهی می‌باشد. پیامبرانی که در دیوان به آنها اشاره کرده، عبارتند از: حضرت آدم، موسی، عیسی، داوود، سلیمان، نوح، خضر، یونس، یعقوب، یوسف، ایوب، ابراهیم، اسماعیل و آخرین آنها پیغمبر اعظم محمد (ص).

نگار من چو پی رقص از میان جهدا چنان جهد که زعشقتش دلم ز جان جهدا

(همان: ۳)

گاهی ز گریه بودم چو ابر نو بهار گاهی ز ناله گشتم مانند تندرا

(همان: ۷)

ناصح از عشق تو منع ما کند، آگاه نیست ز این که غیر از عشق رویت نیست ما را مذبا

(همان: ۸۷)

از ویژگی‌های برجسته این شاعر، آگاهی و مهارت وی در دانستن و به کار بردن حروف ابجد می‌باشد. چنان که در دیوانش به وفور از اینگونه اشعار دیده می‌شود مانند نمونه‌های ذیل: مطرب اندر مجلس امشب هوش می‌خواران ببرد یا منه ساقی به حق کز روی معنی نی می‌زند

(همان: ۹)

بر اساس محاسبات ابجد علی نی معنی  
= ۱۱۰ = ۶۰ - ۱۷۰

محو مطرب گشته‌ام الحق چه نیکو عارضی است می به نی ریزد که تا بر مرده جان از نی دهد

(همان: ۱۷)

علی نی می

= ۱۱۰ = ۶۰ + ۵۰

به راستی که بهاء‌الدین شاعری هنرمند است و هنر او این است که با دانستن علم ادب در موضوعات مختلف چون توحید و نصایح که عبارتند از: مقاومت امیران و مصاحبت با فقیران،

در شفقت با همسایگان، ترک قرض دادن، خواستگاری و آداب ازدواج، نهی از غیبت، در نصیحت اهل غرور و عاقبت امور، قناعت احسان به خلق، ترک طمع، در پیری و بینوایی، در سوارکاری و صفت اسب، اطلاعات از پروردگار، صفت خاموشی، نهی از حرص، نهی از شراب خوردن، در مذمت دروغ، نترسیدن از مرگ، اطاعت از پدر و مادر، صبر و بردباری و ... با بیانی شاعرانه هنرنمایی می‌کند، به عنوان مثال در شفقت همسایه می‌فرماید:

به همسایگان بذل و احسان‌نما      کز احسان بر آن‌ها شوی کدخدا  
بده گاه گاهی بر ایشان طعام      که تا خواجه گردی تو ایشان غلام  
(همان: ۶۷)

در قناعت:

کسانی که قانع به نان جواند      به تخت قناعت چو کیخسروانند  
چو قید است گندم مده دل به قید      بخور جو مکش منت از عمر و زید  
(همان: ۷۶)

در شکایت از دوستان ریائی:

رفیقی ندیدم که باشد شفیق      ز اکسیر نایاب تر شد رفیق  
تو را کیسه و کاسه تا پر بود      سخن‌های تو خوش‌تر از در بود  
(همان: ۴)

در سراسر شعر بهاء‌الدین حالات و مقامات عرفانی دیده می‌شود. مقامات عرفانی‌ای که در ادبیات عرفانی بیان می‌شوند عبارتند از:<sup>۱</sup> توبه: در لغت به معنای بازگشتن و در اصطلاح عرفانی به معنای بازگشت ایمان و بازداشت از انجام اعمال و ناپسند می‌باشد که شامل پنج رکن است:  
اول ادای فرایض، دوم قضای مافات، سوم طلب حلال، چهارم ردّ مظالم، پنجم مجاهدت و مخالفت بانفس.

۲. ورع: در لغت پرهیزکاری و در اصطلاح، از همه چیز جز خدا پرهیز کرد.

۳. زهد: در لغت پرهیزکاری و در اصطلاح، دوری کردن از هر نوع کار بد و ناپسند می‌باشد.

۴. فقر: در لغت به معنای نیازمندی و در اصطلاح، نیازمندی انسان فقط به حق تعالی. چنان که در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده: (الْفَقْرُ فَخْرِي) و (الْفَقْرُ فَخْرِي وَبِهِ أَفْتَحِرُ).



۵. صبر: از نشانه‌های استقامت مؤمن صبر و شکیبایی است. صبر در لغت شکیبایی و در اصطلاح در برابر سختی‌ها و مشکلات شکیبایی کردن است.

۶. توکل: در لغت واگذاری و در اصطلاح واگذار کردن کارها به خداوند و به او توکل کردن است.

۷. رضا: آخرین مرحله از مقامات است، در لغت خشنودی و رضایت و در اصطلاح راضی به رضای خدا بودن است که صوفیان در این باره با یکدیگر اختلاف دارند. عده‌ای معتقدند که از مقامات و برخی گویند از حالات می‌باشد.

حالات عرفانی عبارتند از:

۱. مراقبه: به معنای سربزه زانو گذاشتن و در اصطلاح عرفانی دانش بنده یا آگاهی انسان به این که خداوند به او حقی دارد.

۲. قرب: در لغت نزدیکی و در اصطلاح، استغراق وجود سالک و نزدیکی او به خداوند است.

۳. محبت: در لغت دوست داشتن، اما در اصطلاح عرفانی دوستی با خداوند است یعنی سالک تنها خدا را دوست داشته باشد.

۴. خوف: در لغت ترس و در اصطلاح بیمی که بنده همواره از خداوند در دل دارد.

۵. رجا: در لغت امیدواری و در اصطلاح امیدواری به غفو و رحمت خداوند متعال است.

۶. شوق: در لغت اشتیاق و در اصطلاح اشتیاق به دیدار معشوق و محبوب است که بعد از محبت برای عارف حاصل می‌شود.

۷. انس: در لغت خو گرفتن و در اصطلاح حالتی که بعد از شوق به وجود می‌آید.

۸. اطمینان: در لغت به معنای مطمئن بودن و ایمان داشتن به چیزی است. در اصطلاح اطمینان قلبی دل به خداوند است» (سجادی، ۱۳۹۲: ۳۲-۵۵).

در این جا به مراحل مقامات و حالات عرفانی اشاره گردید، زیرا برای دانستن شعر بهاءالدین شناخت به متون عرفانی و انواع مراحل و تعاریف آن ضروری می‌باشد. زیرا بسیاری از غزلیات وی در منقبت رسول الله (ص) و خاندان نبوت سروده شده است. ایشان در قصائد علاوه بر قدرت طبع و تسلط بر حوزه الفاظ و قوافی و استواری شعر، مضامین لطیف در حوزه مدح و منقبت دارد. ترجیعات او نیز در مدح ائمه اطهار سروده شده و نمونه‌ای از آن در ۲۶ بند در ستایش مولای متقیان است. سرانجام ایشان در تاریخ دوم صفر سال ۱۳۳۷ هجری قمری بر اثر

بیماری آنفلونزا در شیراز چشم از جهان فروبست و پیکر ایشان در همین شهر در صحن حرم جدشان علی بن حمزه به خاک سپرده شدند.

### نتیجه‌گیری

سیدبهاء‌الدین از جمله شاعران ارزنده ایران زمین است. که با مطالعه دیوان ایشان به این نتیجه می‌توان رسید که پهنة آسمان زیبای ادبیات و فرهنگ و هنر ایران زمین همواره نمایش‌گر نورافشانی ستارگانی است که پرتو انوارشان مشتاقان را به حیرت افکنده است و چشم کوتاه‌نظران را از دیدن زیبایی‌هایشان محروم می‌سازد زیرا که بروز خصایص ذاتی و استعدادهای فردی آنان هیچ‌گاه مطابق میل و سلیقه هوا پرستان و صاحبان قدرت‌های ناپایدار نبوده که اگر این گونه بود تاکنون نه چیزی به نام هنر و اندیشه واقعی وجود داشت و نه کسی به عنوان هنرمند و یا اندیشمند متعهد، و این بارزترین و ارزنده‌ترین وجه تمایز اینان نسبت به سایر طبقات جامعه است و حقیقتاً باید فرهنگ و اصالت یک ملت را در میان آثار ارزشمند به جای مانده از گذشتگان آنان جستجو نمود؛ لذا صیانت و تداوم از این ارزش‌ها بار گرانی است بردوش متفکران، محققان و هنرمندان جامعه، مخصوصاً طایفه اهل قلم.

با مطالعه اشعار ایشان می‌توان یافت وی علاوه بر فنون ادبی و شاعری به علوم دیگر از جمله: طب، ریاضیات، جغرافیا و ... اشراف کامل داشته است. آن چه که طبق مطالعات انجام شده قابل ذکر است این می‌باشد که، از مسائل مهمی که وی همواره به آن علاقه و توجه داشته است، مسئله عشق به ائمه اطهار به خصوص پیامبران و حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد. تا آن جایی که با به کار بردن از حروف ابجد نیز این عشق را بیان می‌کند. این مقاله اولین تحقیق درباره اندیشه و زندگی و سبک شاعری بهاء‌الدین می‌باشد. وی از جمله شاعران عارف مسلک و توانا است که علاوه بر علم زمانه خود، به خطاطی اشراف کامل داشت و از جمله هواداران شاعران بزرگی چون مولانا، نظامی، سعدی، حافظ بوده است و به تمامی عارفان احترام می‌گذارد. علاوه بر آن با توجه به نصایح ارزنده‌ای که در دیوان وی آمده است، می‌توان تمامی آن‌ها را در زندگانی به کار برد تا به درجه والای انسانیت رسید. البته شرط رسیدن آن است که به جزئیات کاملاً توجه کرد. امیدوارم توانسته باشم با استفاده از راهنمایی‌های استادان ارجمند و بزرگوار، دین خود را نسبت به جد خویش ادا کرده باشم.

## منابع کتاب‌ها

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمش‌های، دارا لتفسیر.  
ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۹۲) *اشارات و تنبیهات*، نگارش دکتر حسن ملکشاهی، جلد ۱، تهران: انتشارات سروش.  
بزرگر، مهرا (۱۳۸۳) *آشنایی با مبانی عرفان و تصوف*، رشت: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.  
تدین، عطاالله (۱۳۸۸) *جلوه‌های متصوف و عرفان در ایران و جهان*، تهران: انتشارات تهران.  
حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۶) *دیوان کامل و جامع هدیه حافظ*، نگارش دکتر عباس عطاری کرمانی، تهران: انتشارات آسیم.  
سجادی، ضیاء‌الدین (۱۳۸۸) *مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف*، تهران: انتشارات سمت.  
فسائی، میرزاحسن (۱۳۸۸) *فارسنامه ناصری*، تهران: انتشارات امیرکبیر.  
مستوفی، سیدرضی (۱۳۸۵) *دیوان سید بهاء‌الدین مستوفی الممماک*، تصحیح دکتر منصور رستگار فسائی، شیراز: انتشارات دریای نور.

## References

### Books

- The Holy Quran*, translated by Mahdi Elahi Qomshai, Dara Latafsir. [In Persian]  
Ibn Sina, Hossein bin Abdullah (2012) *Warnings and Punishments*, written by Dr. Hassan Malekshahi, Volume 1, Tehran: Soroush Publishing House. [In Persian]  
Boghorer, Mehran (2013) *Getting to know the basics of mysticism and Sufism*, Rasht: Publications of Islamic Azad University, Rasht branch. [In Persian]  
Tadin, Attaullah (2009) *Manifestations of mysticism and mysticism in Iran and the world*, Tehran: Tehran Publishing House. [In Persian]  
Hafez, Shamsuddin Mohammad (2007) *Complete and Comprehensive Diwan of Hafez's Gift*, written by Dr. Abbas Attari Kermani, Tehran: Asim Publications. [In Persian]  
Sajjadi, Zia-al-Din (2009) *An introduction to the basics of mysticism and Sufism*, Tehran: Samit Publications. [In Persian]  
Fasai, Mirzahasan (2009) *Farsnameh Naseri*, Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]  
Mostofi, Seyed Drazi (2006) *Diwan Seyyed Bahauddin Mostofi al-Mamak*, edited by Dr. Mansour Rostgar Fasai, Shiraz: Darya Noor Publications. [In Persian]

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 15, Number 58, Winter2023, pp. 566-577

Date of receipt: 17/6/2019, Date of acceptance: 23/6/2021

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2021.1871575.1454](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1871575.1454)

## Biography of Seyyed Baha'addin Mostofi a Treasure Left from the History of Iranian Literature

Shiva Deh-Bozurgi<sup>1</sup>, Dr. Ali Mohammad Mouzeni<sup>2</sup>, Dr. Thorullah Nowrozi Davodkhani<sup>3</sup>

### Abstract

Sayye Bahaeddin Mostoufi is the neglected poet that has not received any recognition in the books of the literature history. His name is only mentioned in some of the literary notes, just like finding treasures in the old ruins. He had true expertise in numerous scientific areas of mathematics, geomancy and numeric, poetic techniques, chemistry, with vast knowledge of Greek / Babylonian/ Hebrew writings, Nastaliq calligraphy and scripts, very knowledgeable in finding marvels of the science of Arouzi poetry. He wrote great poems in numerous poetic forms. But alas, he has received no recognition.

There are many poems of ghazal, ode, and ghateh type left from him that reveal his Irfan or spiritual thinking. The contents of his poems are mostly in the praise and eulogy of the Shiite Imams, and in particular Mola Mottaghain Imam Ali, the noble man of the men and the lord of the braves. The present paper has addressed the achievements of this notable poet in scientific disciplines as well as examining the literary devices employed in his works.

**Keywords:** Mirza BahaeddinShrazi, Bahaei, Mystic, Innovative science and Arouzi Praise and eulogy, Abjad.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran. Partovi.masoud@gmail.com

<sup>2</sup> . Professor of the Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author) moazzeni@ut.ac.ir

<sup>3</sup> . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran. Th\_norouzi@pnu.ac.ir